

# زنان در ادبیات کودکان چین



جین جین (بی جینگ)

معصومه انصاریان

تصویر زنان در ادبیات مدرن کودکان چین، موقعیت فرهنگی و اجتماعی این کشور را بعد از پیروزی انقلاب ملی در سال ۱۹۴۹، نشان می‌دهد. نقش جدید زنان در خانواده و اجتماع، نه تنها به خوانندگان دید گسترده‌ای از زندگی کودکان در چین معاصر می‌دهد، بلکه تقابل پیشرفت زنان و آداب سنتی جامعه چین را نیز نمایان می‌کند.

در جامعه چین مدرن، زنان جوان نویسنده و ویراستار، به عرصه نشر کودکان می‌پیوندند. آن‌ها مهارت‌های ادبی، حساسیت‌ها و روش‌های بدیعی با خود می‌آورند. زنان جوان نویسنده، در آثار خود به قربانی شدن زنان در جامعه فئودالی می‌پردازند. در چین قدیم، زنان مجبور بودند سه دستور اخلاقی «کنفوسیوس»: اطاعت از پدر، قبل از ازدواج، اطاعت از همسر، بعد از ازدواج و «اطاعت از پسر، بعد از مرگ شوهرش» را بپذیرند.

هم چنین، زن خوب با چهار ویژگی زیبایی، خوش رفتاری، کوشایی و با اخلاق بودن شناخته می‌شد. کنفوسیوس، زندگی زنان را در آن روزگار، بر اساس هفت اصل سامان بخشیده بود: «زادن پسر»، «اطاعت از قانون»، «تمکین همسر»، «غیبت نکردن»، «دزدی نکردن»، «دوری از حسادت» و «پاکدامنی». عدم پای‌بندی به اصول هفت گانه کنفوسیوس، پیامدهایی چون «طرد از اجتماع»، «دادن حق طلاق زن به شوهر» و «پس فرستادن زن به خانه پدر» را به دنبال داشت.

داستان «یک رؤیا در دهکده‌ای ناخوشایند و عقب مانده»، اثر یوان این (Yuanin) . ۱۹۹۸. به زندگی زنان در جامعه فئودالی می‌پردازد. این داستان، حکایت زنی بیوه است که زندگی‌اش را با کشاورزی در قطعه زمینی بادگیر، اداره می‌کند. او با خانواده

دور بماند، ولی جان او را نجات بدهد. این نمونه متفاوت عشق مادرانه، در شرایط بحرانی خاصی قابل درک است، اما در موقعیت معمولی پذیرفته شده نیست.

در چین مدرن، با پیش آمدن فرصت‌های شغلی بیشتر، زنان هم وارد بازار کار شده‌اند و توانسته‌اند با سخت کوشی، به استقلال مالی دست پیدا کنند. آن‌ها دیگر در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات زندگی، مانند دوران پیش از کمونیسم، به لطف و حمایت خویشاوندان یا قدرتمندان فئودال محتاج نیستند، بلکه با تلاش خود، زندگی‌شان را اداره می‌کنند. مادر در داستان «کشتی فرسوده». نوامبر ۱۹۹۱. اثر ایکس جان پنگ (Xuejunpang)، زنی بیوه است. او روزی چندین ساعت در کارخانه کار می‌کند تا زندگی دخترش، بیان بیان (BianBian) را تامین کند و برای درمان پای او دارو به دست آورد. برای این که بهتر بتواند از دخترش مراقبت کند، شانس ازدواج مجدد را از دست می‌دهد. همین طور «شورش در خانه»، اثر ون زائو (Wen zhao) . اکتبر ۱۹۹۰. داستان مادری است که دست تنها، زندگی دو دختر جوانش را اداره می‌کند. اگر چه او ازدواج کرده، خلاف آداب زندگی خانوادگی رفتار می‌کند. شوهرش در شهر دیگری مشغول کار است و او در کارخانه پارچه‌بافی سه شیفت کار می‌کند. آن‌ها در اتاقی کوچک که مال زن است، زندگی می‌کنند. خانواده به پولی که زن به دست می‌آورد، وابسته است. وقتی شوهرش بر می‌گردد، از موقعیت برتری که زنش در غیاب او در خانواده کسب کرده، ناراضی است. او نمی‌تواند موقعیت برتر سنتی خود را داشته باشد. هر دو داستان، به تاثیر برابری جنسی در ازدواج و مناسبات خانوادگی، در چین معاصر می‌پردازد.

پرجمعیت همسر سابقش زندگی می‌کند و مجبور است گردن کلفتی و بی‌ادبی آن‌ها را تحمل کند؛ فقط به این دلیل که پسر ندارد. حتی برادر بزرگ شوهرش، منتظر فرصتی است تا دو دختر او را بفروشد. او زن را در فشار می‌گذارد که به ازدواج با او تن بدهد. زن، همراه دخترانش، از این سرنوشت غم‌انگیز فرار می‌کند. با وجود سختی‌هایی که زنان در این روابط تحمل می‌کنند، مردان خانواده وقت‌شان را با قمار و دود کردن تریاک هدر می‌دهند. نمونه‌ای دیگر از این دست، بزرگ‌ترین نوه پسری خانواده است که زنش را هر چند در خانه و مزرعه به سختی کار می‌کند، کتک می‌زند و به لحاظ روحی عذاب می‌دهد. زن که نمی‌تواند ستم شوهر و مادرشوهر را برای مدتی طولانی تحمل کند، ناچار خودش را می‌کشد. اندیشه‌های کنفوسیوس، چنان بر ذهن زن حاکم شده که باور دارد سرنوشتش، رنج کشیدن است.

## تصویر جدید مادران در چین مدرن

در داستان‌های اخیر، مادران و به خصوص بیوه‌ها مجبور نیستند بیشتر از آن چه تا امروز به سرشان آمده، به سرنوشتی تلخ تن بدهند. محبت فرزندان آن‌ها را دلگرم می‌کند و با نیروی عشق مادرانه، سختی‌ها را بر خود هموار می‌کنند. مادر برای موفقیت فرزندانش، چه دختر و چه پسر، بردبارانه تلاش می‌کند. «عمه سوّم»، اثر ایکس او یا وانگ (XiaoYi wang) . سپتامبر ۱۹۹۱. داستان زن جوان روستایی مهربانی است که همسرش در جریان تجاوز ژاپن به چین، دستگیر شده است. زن چینی، برای نجات پسرش از گرسنگی، به ازای دو کیسه ذرت، به هم خوابگی با مردی تن در می‌دهد. او حتی حاضر می‌شود بین همسایگان بدنام شود، یا از پسرش

افزایش طلاق در چین مدرن، باعث پیدایش داستان‌هایی درباره زنان غیرسنتی شده است. مادر در داستان «مثلث زرد»، اثر ویک سین ایکس (in xu Vix) . دسامبر ۱۹۹۰. زنی امروزی و لایق جدی و اهل رقابت، با استعداد و پیشتاز در اصلاحات اجتماعی است. او تسلیم وضعیت فقیرانه زندگی‌اش نمی‌شود و برای زندگی بهتر سخت تلاش می‌کند.

متاسفانه، همسرش اندیشه‌باز و تلاش‌های واقع‌گرایانه او را برای رسیدن به موقعیت برتر، به رسمیت نمی‌شناسد. این ناسازگاری، به طلاق در دامن می‌انجامد. با افزایش پدیده طلاق در چین مدرن، تصویر جدیدی از نامادری شکل می‌گیرد، اما به اندازه نامادری در داستان‌های فولکلور، بد و منفی نیست. همان طور که در آوازی قدیمی آمده: «ترجیح می‌دهم در هر چیز از پدرم اطاعت کنم تا شاهد ازدواج او با زنی دیگر باشم.»

داستان «مایتوری که دیر کرده بود» اثر (jimxin zhao) . اگوست ۱۹۹۰ - ژانری از موتیف‌های قصه‌های عامیانه است. این داستان با توصیف سادگی و پاک نامادری، تغییر نقش اجتماعی و اخلاقی او را نشان می‌دهد. او از نادختی‌اش بهتر از دختر خودش مراقبت می‌کند.

### مادربزرگ در دوران گذار

جامعه‌ای که از دوره سنتی به مدرن گذر می‌کند، ویژگی‌های متفاوت با دو جامعه دارد. الگوی رفتار خانوادگی نیز در حال دگرگونی از سنتی به مدرن است. رفتار مادربزرگ‌ها در داستان‌های کودکانه اخیر، به مسائل عاطفی و تفاوت نسل‌ها در خانواده دامن می‌زند. مادربزرگ، پدری یا مادری، خوش قلب و پرحرف است. حضور او در خانواده، به رویارویی با دختر و عروسش منجر می‌شود. آن‌ها درباره تربیت بچه‌ها اختلاف نظر پیدا می‌کنند. وقتی مادربزرگ در مورد نوه‌هایش سخن می‌گوید، نسل جوان تر - دختر و یا عروس او - سخن او را نمی‌پذیرند. آن‌ها می‌خواهند بر اساس روش‌های جدید و علمی رفتار کنند. در کتاب «من و مادربزرگ»، از لان ونگ (lanVang) . اکتبر ۱۹۹۰. دخترک راوی، در قالب لطیفه‌ای تنش میان مادر و مادر بزرگش را بیان می‌کند. مادربزرگ آوازی درباره لای‌فنگ (Leifeng)، به نوه‌اش یاد می‌دهد. لای‌فنگ سرباز سال ۱۹۶۰ است. او کسی است که سرمایه و زندگی‌اش را در راه وطن ایثار کرده و نمونه شرافت و درستکاری است. دختر تحت تاثیر سخنان مادربزرگ، با شور و شوق می‌گوید: اگر من سکه‌ای در خیابان پیدا کنم، آن را بر می‌دارم و بلافاصله به پلیس می‌دهم. مادرش حرف او را قطع می‌کند...

فکر می‌کنی این کار، به زحمتش بیارزد؟ و به مادربزرگ می‌گوید: چرا می‌خواهید دخترم را یک قدیس بار بیارید؟ الان سال ۱۹۸۰ است! سرانجام، این تضاد آشکار، به انزوای مادربزرگ در داستان کشیده می‌شود. داستان «من و مادربزرگ»، سؤال مهمی به ذهن می‌آورد. آیا روش‌های تربیت سنتی

در چین امروز، از مد افتاده است؟

«آیا من هنوز مادربزرگ نوه‌ام هستم؟»، اثر هالیانگ ایکس‌ای (Hualiang Xie) . اگوست ۱۹۹۰. داستان دیگری است که نقش تغییر یافته مادربزرگ را در خانواده ترسیم می‌کند. در این داستان، نوه پسری به مدرسه می‌رود و مادربزرگ نمی‌تواند زمان زیادی را با او سپری کند. مادربزرگ غمگین توی حیاط می‌نشیند و سکه‌هایی را که طی سال‌ها پس انداز کرده، از قلک سفالی بیرون می‌آورد. او سکه‌ها را به هر بچه‌ای که بایستد و با او صحبت کند و به رؤیاهایش گوش کند، می‌دهد.

هر دو داستان، تصاویری واقعی از در هم شکسته شدن ساختار خانواده سنتی ارائه می‌کنند.

در شرایطی که اکثر زنان جوان، بیرون از خانه به کار اشتغال دارند، مادربزرگ هدایت امور خانه را بر عهده دارد. زمانی که نقش اجتماعی او در بزرگ کردن نوه و غذا دادن و مراقبت کردن از او پایان یابد، کمبود عاطفی احساس می‌کند.

### معلم دلسوز

معلمین مدرسه، از دیگر شخصیت‌های مهم زنانه در کتاب‌های کودکان است. امروزه آموزگاران که از سیستم سنتی آموزش پیروی می‌کنند و مانع شکوفایی استعداد فردی کودک می‌شوند، نقد می‌شوند. خانم یو (Yu)، آموزگار «بی‌آن، بی‌آن»، در فی‌چوان (Feichuan)، مؤدب و دوست داشتنی است. اگر چه او با شاگردش رفتار خوبی دارد، وقتی می‌فهمد بی‌آن بی‌آن، با فروختن تکه‌آهن‌های یک کشتی قدیمی، به خانواده فقیرش کمک می‌کند، ناراحت می‌شود. او با نگرانی از بی‌آن بی‌آن می‌پرسد، با این سن کم، چطور می‌خواهی مدتی طولانی کار کنی؟ می‌دانی کشتی کهنه مال دولت است؟ حتی بهتر است بگذاریم زنگ بزند تا از آن این طوری استفاده کنیم. منطق خشک معلم مهربان، بی‌آن بی‌آن را سرگردان می‌کند. روش اقتدارگرایانه و اصولی خانم یو، سیستم آموزش سنتی را بازتاب می‌دهد. او به توانایی کودک برای خود اتکایی، ابتکار و اشتیاق به بهبود زندگی توجه نمی‌کند. این داستان نیز تضاد تعلیم و تربیت سنتی و مدرن را نشان می‌دهد. آموزگار ایده‌آل، کسی است که هم نسبت به حرفه‌اش احساس مسئولیت اجتماعی کند و هم نسبت به دانش‌آموزان دلسوز باشد. چنگ شنگ لو (cheng sheng luo)، در «خودشناسی در کلاس». اکتبر ۱۹۹۱. معلم جوان سخت کوشی را معرفی می‌کند که صبح خیلی زود به مدرسه می‌رود تا درس‌هایش را آماده کند. چون در مهد کودک هنوز باز نشده، او دختر خردسالش را به درختی جلوی در کودکانستان می‌بندد تا وسط خیابان نرود. شب، معلم دیر به خانه باز می‌گردد و با تلی از ظرف‌های ناشسته و اجاق سرد رو به رو می‌شود. همسر او نیز گرفتار کارهای خودش است و زن به سبب انجام ندادن کارهای خانه، احساس گناه می‌کند. این داستان نیز تعارض مسئولیت اجتماعی زنان شاغل و نقش

مادری و همسری زن را انعکاس می‌دهد.

معلم دلسوز دیگری در رمان «محصول سوم» (The Third corp)، اثری از لوزانگ (zhang zhilun) . ۱۹۹۰. توصیف شده است. اگر چه خانم سان (sun)، از کاستی‌های سیستم آموزشی مدرسه، به صراحت انتقاد می‌کند، به دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای دارد. او هر روز، بعد از ساعت کار مدرسه، تلفنی با دختران و پسران دانش‌آموز حرف می‌زند و آن‌ها را در حل مشکلاتشان راهنمایی می‌کند. او آن قدر پر کار است که روزی هنگام صحبت تلفنی با دختری، از روی صندلی می‌افتد و بر اثر سکه قلبی، جان خود را از دست می‌دهد.

هزاران معلم زن، مانند خانم سان وجود دارند که پایه‌های مدارس چینی را با مهربانی و صبوری و درایت خودشان مستحکم می‌سازند. آن‌ها در کمک به جوانان، ثابت قدم و جدی هستند.

### تصویر دختران جوان در ادبیات مدرن چین

به همان نسبت که جامعه چین توسعه می‌یابد، تصویر دختران جوان هم متنوع‌تر و متفاوت‌تر می‌شود. داستان‌هایی که برای مخاطبان جوان نوشته می‌شود، به مسائلی چون بلوغ و رشد در جامعه پیچیده و برخی اغواگری‌های آن توجه دارد. برای نمونه، در داستان (Disan jun tuan)، خانم سان به یکی از دختران دبیرستانی کمک می‌کند. او دختر زیبایی است. گانگسترهای خیابانی، دختر را مرعوب کرده‌اند و از او سوء استفاده می‌کنند. آن دختر، به کمک خانم سان و پسری از هم‌کلاسی‌هایش، شجاعت پیدا می‌کند و مشککش را حل می‌کند. او وقتی می‌فهمد کسانی هستند که می‌خواهند به او کمک کنند، احساس امنیت و قدرت می‌کند.

هان سی سان جینو ایکس اینگ (jino xing Huan se san)، تجربه سخت دختری جوان را توصیف می‌کند که والدینش از هم طلاق گرفته‌اند. در این رمان، تلاش‌های همراه با حسن نیت مادر، برای انتقال ویژگی‌های فردی و ارزش‌هایش به دختر، فقط موجب آشفته‌گی دخترک می‌شود. «خواهر جوان‌تر با موه‌های سیاه ۱۹۸۹. اثر ون جان کوئین (ven jun Qin)، تجربه دختر جوانی را روایت می‌کند که می‌خواهد از طریق ازدواج با مردی پولدار، خوشبخت شود. او در برابر تعصبات و مخالفت‌های دیگران مقاومت می‌کند، اما رفتار بد خانواده شوهرش، او را متوجه اشتباهش می‌کند. او به سبب سادگی و پاک‌اش، فریب می‌خورد.

مطالعه شخصیت‌های این داستان، نشان می‌دهد که زنان در چین مدرن، دیگر مجبور به پذیرش نظریه کنفوسیوس نیستند. در دنیای امروز، نقش‌های فمینیستی مادرها، مادربزرگ‌ها، آموزگاران و دختران جوان، در ادبیات کودکان گسترش یافته است. حضور این نقش‌های گوناگون در ادبیات، اثری پایدار روی کودکان جامعه خواهد داشت.